



## جایگاه آموزش و پرورش بر شکوفایی و توسعه اجتماعی دانش آموزان

ایمان مصلی نژاد (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، رها صادقی<sup>۲</sup>، طراوت قادریان جهرمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش، جویم iman\_mosala@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد ادبیات فارسی اداره آموزش و پرورش، جهرم sadeghi2403@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی مهندسی پزشکی دانشگاه غیر انتفاعی زند، شیراز taravat.ghaderian9491@gmail.com

### چکیده

بدیهی است که در هر جامعه، آموزش و پرورش سنگ زیربنای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و بدون تردید عامل اصلی و موتور محرکه توسعه و کلید رشد و ترقی هر کشوری است. پژوهش حاضر نیز با هدف شناخت جایگاه آموزش و پرورش بر شکوفایی و توسعه اجتماعی دانش آموزان به دنبال بررسی کارکردهای این نظام تربیتی در عصر حاضر است، این مقاله از نوع مروری کتابخانه ای می باشد. تعلیم و تربیت از مهم ترین و پیچیده ترین اموری است که نقش بسیار مؤثری در زندگی انسان دارد. امروزه آموزش و پرورش، نهاد اجتماعی مهمی است که مسئولیت عظیمی را در قبال تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان بر عهده دارد. توجه به عوامل پیشرفت و ترقی جوامع نشان می دهد که این کشورها از آموزش و پرورش کارآمد و اثربخش برخوردار بوده اند. عوامل متعددی در ارتقای کیفیت آموزشی مؤثر است که از جمله این عوامل می توان به نوع مدیریت، مدرسه و معلم در نظام آموزش و پرورش به آن اشاره نمود. اگر در آموزش و پرورش تغییرات کیفی در فرهنگ حاکم بر جامعه به وجود آید، بدون شک می تواند از طریق تحول در رفتار مردم و شکل های نهاد های اجتماعی، به پیشرفت های چشمگیری در نرخ رشد کیفیت آموزشی و منزلت اجتماعی دست یافت که در نهایت به یک جامعه پویا و ایده آل به لحاظ فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رسید.

### واژه های کلیدی

توسعه اجتماعی، شکوفایی، آموزش، پرورش، مدرسه



## ۱. مقدمه

آموزش و پرورش مهم ترین نهاد بر آمده از متن جامعه و در عین حال سازنده و تکامل دهنده آن است و تأثیر آن در پیشرفت جامعه، امری حیاتی و محسوس است. اگر آموزش و پرورش در یک کشوری پویا، پرتحرک و پر نشاط باشد طبیعتاً آن کشور نیز بالنده و توسعه یافته خواهد بود. باید گفت سرمایه گذاری در آموزش و پرورش یک سرمایه گذاری راهبردی است و غفلت از آن کشور را با مشکل مواجه خواهد ساخت. آموزش و پرورش موتور حرکت جامعه است که رسالت آن همانا تبدیل منابع انسانی به سرمایه های انسانی است [6]. از آن جا که امروزه دانش آموزان علاوه بر مهارت های پایه نیازمند مهارت های پیچیده تری هستند و منابعی که در اختیار آموزش و پرورش قرار میگیرد، محدود است، در نتیجه ارتقا کیفیت آموزشی در مدارس صورت میگیرد. اگر در آموزش و پرورش تغییرات کیفی در فرهنگ حاکم بر جامعه به وجود آید، بدون شک می تواند از طریق تحول در رفتار مردم و شکل های نهاد های اجتماعی، پیشرفت های چشمگیری در نرخ رشد کیفیت آموزشی به وجود آورد [9].

انسان موجودی اجتماعی است و به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است، بسیاری از نیاز های عالی انسان و شکوفا شدن استعدادها و توانایی هایش فقط از طریق تعامل فردی و ارتباطات اجتماعی می تواند فعلیت یابد [3]، آنچه نمایان است رفتار فرد به اعتبار اینکه یک موجود زنده اجتماعی است قدم به قدم با رشد فردیت او تغییر می یابد و این رشد اجتماعی و فردی، شخصیت فرد را کامل می کند. از طرفی می دانیم که رشد اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله خانواده، مدرسه، معلم، گروه دوستان، تلویزیون، جنسیت و نژاد، وضعیت اجتماعی - اقتصادی قرار دارد که نوع و چگونگی وضعیت آن ها ممکن است سبب تسریع رشد اجتماعی یا برعکس کندی آن شود. از این میان این عوامل متعدد، اعتقاد بر این است که معلم از جنبه های مختلف و به شکل های مختلف تأثیرگذاری بسیار اساسی و عمیقی بر دانش آموزان خودش دارد و این تأثیر گذاری می تواند مثبت یا منفی باشد. در فرایند تعلیم و تربیت آنچه که به معلم انتقال می یابد تنها معلومات و مهارت های معلم نیست بلکه تمام صفات، خلیات، حالات نفسانی، و رفتار ظاهری معلم نیز به شاگردان منتقل میشود [7]، همچنان که خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک در آن متولد شده و رشد می کند، معلم نیز بیانگر نماد مدرسه است و به عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار اجتماعی، به خصوص در سال های اولیه دبستانی مهم شناخته شده است [2].

معلم به عنوان یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت در همه جوامع شناخته می شود. او مجری برنامه های آموزشی در مدارس و تربیت کننده نیروی انسانی مورد نیاز جامعه می باشد. به همین دلیل هر نوع پیشرفت مادی و معنوی جامعه وابسته به کیفیت کار معلمان آن جامعه است. معلم در قالب فرایند اجتماعی کردن دانش آموزان، به توسعه و پیشرفت فرهنگی و سیاسی جامعه کمک می کند معلم با روح و جان دانش آموز سر و کار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب، با نفوذ و مطلع پذیرفته می شود. همچنین به دلیل برخورد مستقیم با دانش آموزان در خلال سال های سازنده زندگی و نفوذ قابل توجه به تفکرات آنان، نقش تعیین کننده ای در این راستا دارد [7].

به طور کلی، رابطه دانش آموز با معلم یک رابطه باطنی و معنوی است و معلم فقط یک آموزگار نیست بلکه مهم تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ است که علاوه بر نقش آموزگاری و تدریس، یاد دهنده ی منش و رفتارهای اجتماعی نیز می باشد، همچنین رشد اجتماعی و یادگیری مهارت های اجتماعی کودکان در موفقیت های تحصیلی و سازش یافتگی بعدی آن ها نقش بسیار مهمی دارند. به عبارتی دیگر معلم، انسان سازی است که خصلت های انسانی را در وجود دانش آموزان می پروراند و آن ها را برای زیستن در زندگی آتیه شان آماده می نماید [7].

کودکان و نوجوانان در سیر تحولی خود به دوران بزرگسالی با بافت های متعددی در تعامل هستند از جمله تاثیر گذارترین این بافت ها مدرسه است که به دلیل اهمیت حیاتی آن در تحول و بهزیستی دانش آموزان، در دهه های اخیر کانون توجه پژوهش های تربیتی و علوم اجتماعی بوده است [4]. محیط مدرسه، ارتباطات اجتماعی، مدیریت، کادر اجرایی، امتحانات، محتوای درسی، قوانین و مقررات مدرسه و فرهنگ و نگرش والدین نسبت به مدرسه و فرزندانشان می تواند در سرنوشت و توانمندی های کودکان و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مؤثر باشد [10].



مدارس نقش مهمی در شکل گیری ارزش ها، هنجارها و فرصت های اجتماعی افراد دارند. کودکان اولین تعاملات خود را سیستم آموزشی در حدود پنج یا شش سالگی برقرار می کنند و معمولا تا ۱۸ سالگی ارتباطشان با مدرسه حفظ می کنند در نتیجه، جوانان تقریبا ۱۳ سال از زندگی خود را در سیستم آموزشی صرف می کنند و به عبارتی این مقدار از زمان را در ساختار تحصیلی و به دور از خانوادشان سپری می کنند و مؤسسات آموزشی ابزار اولیه ی اجتماعی شدن نوجوانان می شود. مدارس هم مسئول آموزش اطلاعات و روش ها و هم مسئول ایجاد هنجارها و ارزش های جامعه محسوب می شوند [8].

بنابراین مدرسه به عنوان یک سازمان اجتماعی حساس، نقش مهمی در تحقق هدف های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر عهده دارد و لازمه تحقق این هدف ها، ایجاد و تقویت محیط های جذاب و داشتن مدیران شایسته است [6]. بسیاری از مدارس امروزی در حسرت چشیدن طعم کارکردهای مدارس اثربخش اند و مطالعات متعددی نیز گواهی میدهد که اغلب مدارس موجود در درجاتی قابل توجه فقدان اثربخشی به سر می برند و این موضوعی است که بیش از همه، آسیب های خود را متوجه دانش آموزان می سازد و رهبری فکور مدرسه و شایسته با عمل تأملی و فکورانه ای که دارد می تواند معلمان و دانش آموزان را در جهت تحقق اهداف مدرسه اثربخش یاری نماید [6].

## ۲. نتیجه گیری

آموزش و پرورش و مدیریت عالمانه و تخصصی آن عامل مهمی در توسعه یافتگی کشورها و جوامع خواهد بود. علاوه بر این، مدیریت کارساز و کارآمد در سازمان های آموزش و پرورش می تواند به بالا بردن درجه رضایت معلمان از کار، پیوند استوار اولیای دانش آموزان و تقویت انجمن های اولیا و مربیان، کاهش افت تحصیلی، نوآوری و خلاقیت، بهره گیری بهینه از منابع انسانی، مالی و بالاخره به شکوفایی شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان یاری رساند [1].

فرآیند یادگیری در مدارس باید فرصت های کافی برای یادگیری جهت دار دانش آموزان ارائه دهد تا به اهداف یادگیری خود از طریق تجاربشان دست یابند. به تبع آن، مدیران آموزشی باید تفاوت های فردی هر دانش آموز را از لحاظ هوشی و استعداد بررسی کنند و معلمان برای دانش آموزان فعالیت های یادگیری متفاوت طراحی کنند به طوری که دانش آموزان از یادگیری خود لذت ببرند، به یادگیری خوب عادت کنند و در فعالیت های اجتماعی شرکت کنند [5].

با توجه به مطالب ارائه شده می توان گفت، به باور اکثر روانشناسان وجود فضای آزاد آموزشی که در آن ابراز عقاید مختلف دانش آموزان با تأیید و خوشرویی معلمان و دیگران مواجه شود یکی از عوامل مهم رشد استقلال فکری و رشد اجتماعی دانش آموزان می دانند؛ از این رو مدرسه بهترین مرکز برای فعالیت های گوناگون اجتماعی است و معلم می تواند علاوه بر فعالیت های آموزشی با ترویج فعالیت های گروهی و ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت و فعالیت های دانش آموزان در کلیه فعالیت های مدرسه و تشکیل اجتماعات، انجمن ها، گردش های علمی و ... به ترتیب اجتماعی آن ها کمک کند.

در پایان پیشنهادهای برای تعامل سازنده میان معلمان و مدارس در پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی دانش آموزان می توان ارائه نمود: سپردن مسئولیت به دانش آموز توسط معلم، سبب افزایش اعتماد به نفس او می شود، استفاده معلم از روش ها و الگوهای تدریس مناسب که ضمن تدریس مناسب افزایش شاخصه های رشد اجتماعی شود، اهتمام معلم در ایجاد رقابت در کنار حس رفاقت جهت فعال تر کردن دانش آموزان و بهبود رفتار اجتماعی دانش آموزان و برنامه ریزی در جهت درونی کردن ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه در راستای تکمیل جامعه پذیری دانش آموزان توسط معلم و مدرسه.

## منابع

- [1] خدایار ایلی، جواد پورکریمی، ابراهیم مزاری، کبری خباره، سودابه بادبان، ۱۳۹۳. تبیین نقش خودبالندگی مدیران مدارس در بهبود عملکرد آنان مطالعه موردی مدیران مدارس شهر ری، فصلنامه آموزش وارزشیابی، ۲۶، ۱۰۴.
- [2] شهلا البرزی، محمد خیر، ۱۳۸۰. بررسی و مقایسه خود ارزشیابی رفتاری در سه موقعیت خانه مدرسه همسالان در بین دختران و پسران سنین مختلف، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۱، ۱۰۹.
- [3] علیرضا جعفری، ۱۳۹۳. تأثیر بازی های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی، فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۳۳، ۷۲.



- [4] الهه حجازی، فهیمه عباسی، حامد مصلحی، ۱۳۹۸. تحلیل چند سطحی عوامل سطح دانش آموز و مدرسه بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۶۸، ۷۲.
- [5] علی خالق خواه، حبیبه نجفی، ۱۳۹۹. نقش سواد علمی فناوری مدیران آموزشی در افزایش مؤلفه های مهارت نرم، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴۶، ۸۶.
- [6] حسین خنیفر، ناهید نادری بنی، صلاح الدین ابراهیمی، مرجان فیاضی، محمد حسین رحمتی، ۱۳۹۹. مدیران مدارس شایستگی دانش توانایی و مهارت‌ها و ارائه مدل، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴۵-۲-۲۵-۲۶.
- [7] سید هادی رضایی نیکو، ۲۰۱۹. رشد اجتماعی در دانش آموزان و نقش معلم در توسعه آن، اولین کنفرانس ملی مدرسه آینده، ۶-۵.
- [8] محمود قاضی طباطبایی، الهه حجازی، علی رضائی شریف، ۱۳۸۹. آزمون تئوری های مسأله اجتماعی پیوند با مدرسه در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲، ۱۱۴.
- [9] علی کریمی ارقینی، نورالدین میرزایی، غلامحسین انتصار فومنی، ۱۳۹۹. شناسایی عوامل مؤثر بر الگوی ارتقای کیفیت مدیریت آموزشی در مدارس ابتدایی، فصلنامه علمی پژوهشی در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۲۸، ۵۲.
- [10] صفی اله ملکی، حمید انصاری، اصغر مهاجری، ۱۳۹۷. عوامل اجتماعی مؤثر بر مدرسه هراسی دانش آموزان دوره اول ابتدایی، فصلنامه خانواده و پژوهش، ۴۴، ۸۴.